

اعتبار تاریخی کتاب مقدس عهد جدید

بخش اول: مقدمه

بررسی اعتبار و صحت تاریخی کتاب مقدس مقوله ای چند وجهی شامل تاریخ، دانش اسناد و نسخ خطی باستانی و زبان شناسی است که هر کدام از این مباحث به تنهایی می توانند محتوای صدها جلد کتاب باشند. در اینجا مانند بحث وجود خدا مطالب به صورت بسیار فشرده ولی در حد امکان دقیق و علمی خدمت دوستان ارائه می شود.

در سال ۳۳۱ قبل از میلاد، امپراطوری یونان به فرمانروایی اسکندر کبیر، امپراطوری فارس را شکست داد و سلطه خود را بر سرزمین های وسیعی از اروپا و آسیای صغیر (ترکیه کنونی) گرفته تا مرزهای هندوستان تثبیت کرد.

امپراطوری یونان همچنان تا سال ۱۶۷ قبل از میلاد پابرجا ماند. در این حین فرهنگ و زبان یونانی مخصوصا در حاشیه دریای مدیترانه و آسیای صغیر سایه گستر شد به طوری که تقریبا زبان یونانی تبدیل به زبان رسمی این مناطق گشت.

زبان یونانی که در مناطق تحت سلطه امپراطوری یونان رواج یافت زبان یونانی (Koine Greek کینه) یا یونانی عامیانه (Common) بود که با زبان کلاسیک یونان کمی فرق داشت. با افول تدریجی امپراطوری یونان، امپراطوری روم حدود ۲۷ قبل از میلاد که به قدرتی شکست ناپذیر تبدیل شده بود؛ ظهور کرد و از اروپای غربی و جنوبی گرفته تا آسیای صغیر و کل مناطق حاشیه دریای مدیترانه را تحت حاکمیت خود درآورد ولی همچنان نفوذ فرهنگ و زبان یونان به قوت خود باقی ماند. نامهای تعدادی از رسولان مسیح مانند پطرس، فیلیپس و آندریاس و وجود مجموعه شهرهای دکا پولیس (ده شهر) در منطقه یهودیه مصداق این موضوع است. مثال دیگر

تقصیر نامه ای بود که به دستور پیلاتس (حاکم رومی منطقه یهودیه) بالای صلیب مسیح نصب شد که به سه زبان یونانی، رومی (لاتین) و عبری نوشته شده بود:

« و بر سر او تقصیر نامه ای نوشتند به خط یونانی، رومی و عبرانی که این است پادشاه یهود. » انجیل لوقا ۲۳: ۳۸ (بخوانید فصل ۲۳ آیه ۳۸) و به همین دلیل همه کتاب های عهد جدید به زبان یونانی (Koine) که تقریباً زبان بین الملل آن دوران بود؛ نوشته شده اند.

امپراطوری روم تحول عظیمی در حاکمیت نظم و قانون، راهسازی و تامین امنیت راهها برای مقاصد نظامی، تجاری و حمل و نقل در مستعمرات خود ایجاد کرد که به طور غیر مستقیم به پیشرفت مسیحیت فراتر از مرزهای یهودیه کمک کرد.



از سوی دیگر، بعد از صعود مسیح به آسمان حدود سال ۳۰ بعد از میلاد به تدریج با افزوده شدن تعداد ایمانداران به مسیح در یهودیه، جفای شدیدی از سوی رهبران قوم یهود (کاهنان، فریسیان و فرقه های متعصب مذهبی) بر کلیسا آغاز شد و استنفان یکی از خادمین کلیسا و مدتی بعد یعقوب (برادر یوحنا) که یکی از رسولان مسیح بود؛ در اورشلیم به شهادت رسیدند. عده زیادی از ایمانداران مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شدند و به تدریج به شهرها و مناطق اطراف منجمله به شهر انطاکیه واقع در شمال غربی سوریه مهاجرت کردند و کلیسایی را در آنجا تشکیل دادند. برای اولین بار ایمانداران به مسیح در شهر انطاکیه، مسیحی خوانده شدند. بدین ترتیب پیام مسیحیت به تدریج از یهودیه به شهرها و نواحی غیر یهود نیز منتشر شد. پولس یکی از معروفترین رسولان مسیح در طول سفرهای بشارتی خود پیام انجیل را به نقاط دور دست از آسیای صغیر (ترکیه کنونی) گرفته تا یونان و در نهایت تا به روم نیز رساند. (نقشه زیر را ملاحظه کنید.)



در این حین کلیسا های متعددی در مناطق و شهرهای مختلف نظیر غلاطیه، آفسُس، قُرْنُتُس، کولِسی، فیلیپی، تِسالونیکِی و روم تشکیل شدند. پولس رسول برای تعلیم و تشویق ایمانداران و خادمین این کلیساها نامه های متعددی به آنان ارسال می داشت که به رسالات پولس رسول معروف گشتند. این رسالات حدود یک سوم عهد جدید را تشکیل می دهند. در طول سفرهای بشارتی، پولس رسول دائماً مورد جفا و آزار قرار گرفت و بارها زندانی شد تا اینکه حدود سال ۶۵ میلادی به دستور نِرُون امپراتور روم، پطرس و پولس رسول در شهر روم به شهادت رسیدند. در همین دوران عده زیادی از مسیحیان شهر روم، به طرز وحشتناکی با انداخته شدن جلو حیوانات درنده در کولوسئوم و یا مشتعل شدن بر روی صلیبها به قتل رسیدند؛ ولی همچنان مسیحیت در سراسر امپراطوری روم منتشر شد.

بجز مکتوبات یوحنا رسول بقیه کتاب های عهد جدید بین سال های ۴۵ تا ۶۵ میلادی نوشته شده اند.

یوحنا رسول کتاب انجیل یوحنا، رسالات اول، دوم و سوم و کتاب مکاشفه خود را بین سال های ۸۰ تا ۱۰۰ میلادی به رشته تحریر درآورد. وی کتاب مکاشفه (آخرین کتاب عهد جدید) را حدود سال ۹۶ میلادی زمانی که در جزیره پطموس (یکی از جزایر یونان در دریای مدیترانه) در تبعید به سر می برد نوشته است.

بنابراین توجه به این نکته بسیار حائز اهمیت است که کتاب مقدس (عهد جدید) شامل ۲۷ کتاب است که در زمان های مختلف، مکان های مختلف و توسط اشخاص مختلف (۹ نفر) نوشته شده است. برای مثال پولس رسول رساله به فیلیپیان را در سال ۶۲ میلادی از زندانی در روم نوشته است؛ در حالی که کتاب مکاشفه توسط یوحنا در جزیره پطموس و سال ۹۶ میلادی به رشته تحریر درآمده است. موضوع کتاب های عهد جدید نیز با هم متفاوتند؛ در حالی که اناجیل شرح حالی از زندگی و تعالیم مسیح هستند رسالات پولس رسول کاملاً جنبه الهیاتی دارند و کتاب مکاشفه کلاً در مورد وقایع آینده و امور آخر زمان است.

هر چند کتب عهد جدید در موضوع، ادبیات، نحوه نگارش و لغات به کار برده شده با هم متفاوت هستند؛ با این وجود همه آن ها با یکدیگر و با کتاب مقدس (عهد عتیق) سازگاری کامل دارند و همگی تصویری واحد از شخصیت تاریخی عیسی مسیح ارائه می دهند.



بخش دوم: نسخ خطی (Manuscripts)

همانطور که در بخش اول اشاره شد، بلافاصله بعد از صعود مسیح (حدود ۳۰ میلادی) پیام انجیل فراتر از مرزهای اورشلیم و یهودیه، به شهرها و مناطق مجاور نیز منتشر شد و کلیسا های متعددی تاسیس گردید. در آغاز، تعلیم ایمانداران مستقیماً به عهده رسولان مسیح بود. ولی به تدریج با تاسیس کلیساهای بیشتر واقع در شهرها و مناطق دورتر و مخصوصاً همزمان با سفرهای بشارتی پولس رسول؛ رسولان مسیح افرادی را که مورد تایید آنان

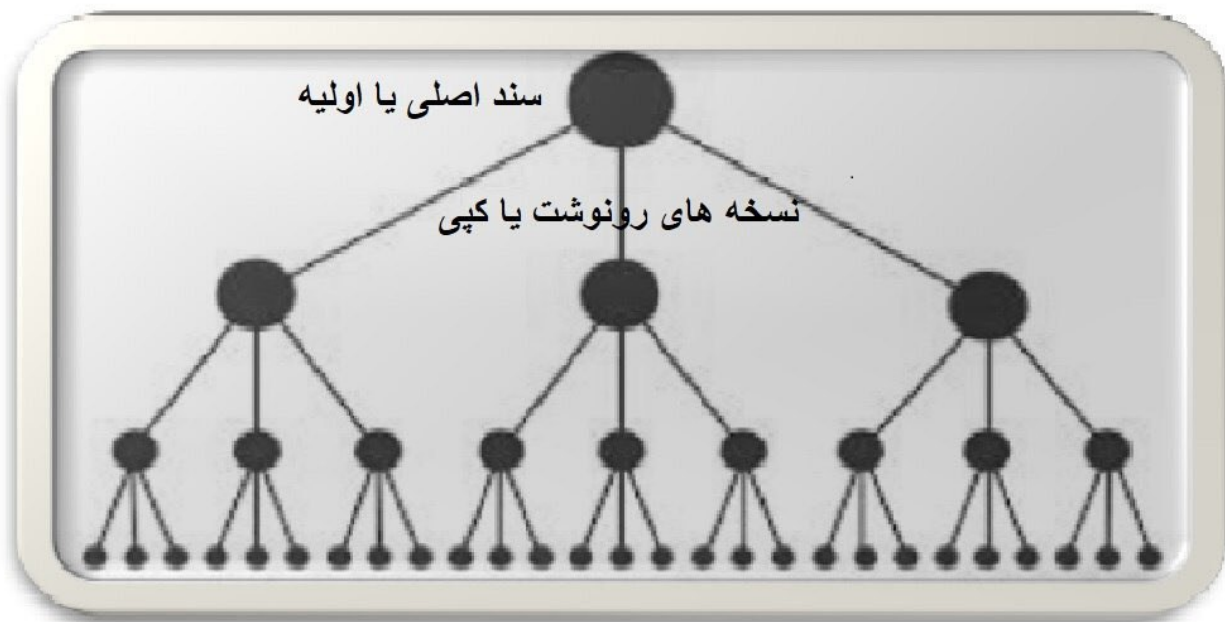
و قابل اطمینان بودند، به شبانی کلیساهای مختلف گماشتند. در این حین به منظور هدایت و تعلیم ایمانداران شروع به نگارش رسالات و کتب عهد جدید کردند که بلافاصله نسخه های متعددی از آنان در بین کلیساهای مختلف توزیع شدند.

بخشی از نامه پولس رسول به ایمانداران شهر کولسی واقع در آسیای صغیر (ترکیه کنونی) که حدود ۶۰ میلادی از شهر روم نوشته شده است؛ گواه این مطلب است.

« ۱۴ و لوقای طبیبِ حبیب و دیماس به شما سلام می‌رسانند.
۱۵ برادرانِ در لاؤدکیه و نیْمفاس و کلیسایی را که در خانه ایشان است سلام رسانید.

۱۶ و چون این رساله برای شما خوانده شد، مقرر دارید که در کلیسای لاؤدکیان نیز خوانده شود و رساله از لاؤدکیه را هم شما بخوانید. « رساله کولسیان ۴: ۱۴-۱۶

انتشار تصاعدی نسخه های کتب عهد جدید در طی سالیان متمادی بین کلیساهای مختلف در شکل زیر نشان داده شده است.



دقت کنید تا کنون نسخه اصلی و اولیه (original document) هیچ سند باستانی خطی (به استثنای کنده کاریهای روی سنگ ها و کتیبه ها و ...) به دست نیامده است؛ همه این اسناد بر اثر فرسایش از بین رفته اند، در جنگ ها و بلایای طبیعی نابود یا مفقود شده اند، و یا این که تاکنون کشف نشده اند. با این وجود متخصصین نسخ خطی قادرند با توجه به نسخه های رونوشت (کپی) موجود از این اسناد، آنان را بازسازی کنند و به محتوای نسخه اصلی یا اولیه دست یابند.

سه ملاک اصلی که دقت و صحت این فرآیند را تعیین می کند، عبارتند از:

- ۱- تعداد نسخ خطی موجود
- ۲- قدمت نسخ خطی
- ۳- تعداد نقل قول های موجود از سند اصلی در اسناد باستانی دیگر

مطابق این سه ملاک فوق، هیچ سند باستانی همدوره با عهد جدید و یا حتی چندین قرن بعد از آن، قابل مقایسه با کتب عهد جدید نیست. به جرات می

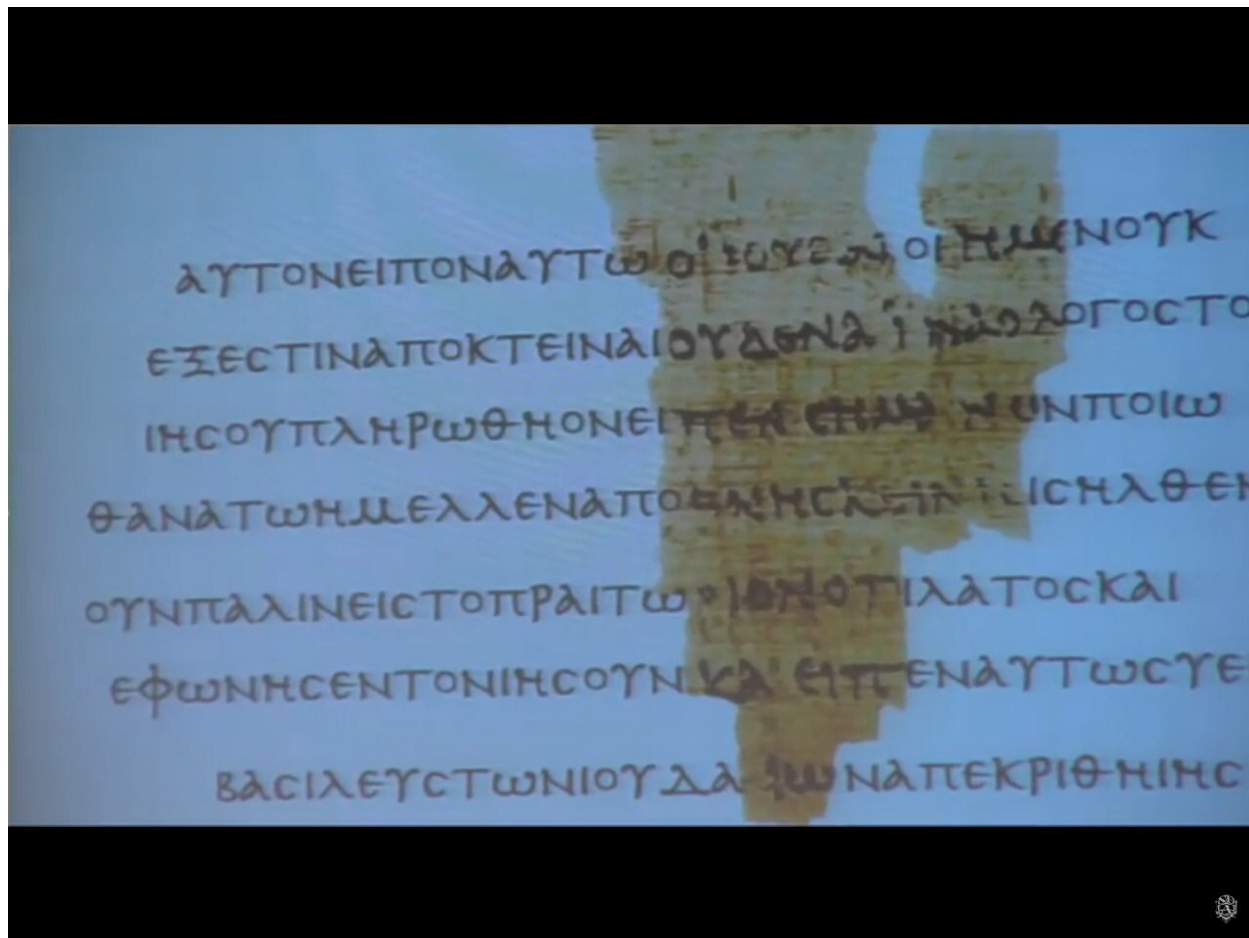
توان گفت، اگر ده اثر کلاسیک باستانی را جمعاً و در یک جا با نسخ خطی عهد جدید بر اساس این سه ملاک مقایسه کنیم؛ همچنان کتب عهد جدید با فاصله ای بسیار پیشتاز خواهند بود. تا کنون ۵۷۰۰ نسخه خطی یونانی از کتب عهد جدید پیدا شده است که قدمت برخی از آنها به حدود ۱۰۰ میلادی باز می گردد.

علاوه بر این، بیش از ۹۰۰۰ نسخه خطی بسیار قدیمی عهد جدید به زبان های لاتین، سریانی (آسوری)، قبطی، عربی، ارمنی، گوتیک موجود است که از نسخ یونانی ترجمه شده‌اند که در موزه ها و کتابخانه های مختلف جهان نگهداری می‌شوند.

برای نمونه نسخه پاپیروس p۵۲ که بخشی از انجیل یوحنا فصل ۱۸ آیات (۳۱،۳۲) و (۳۶ ، ۳۷) است در مصر یافت شده است و متخصصین معتقدند که متعلق به سال (۱۰۰-۱۵۰) میلادی است و در آسیای صغیر (ترکیه کنونی) نوشته شده است.



این پاپيروس با قدمت بیش از ۱۸۵۰ سال صحت محتوای نسخه های جدیدتر (انجيل يوحنا) را تاييد مي کند. 🇵🇸 🇵🇸 🇵🇸 🇵🇸



نسخه خطی Codex Sinaiticus که روی پوست نوشته شده است؛ تقریباً شامل کل کتاب مقدس و متعلق به اواسط قرن چهارم میلادی است (۳۰۰_۳۵۰ میلادی). یک برگ از این نسخه را در شکل زیر ملاحظه می کنید. 🇵🇸 🇵🇸 🇵🇸 🇵🇸



متخصصین نسخ خطی، برای بازسازی محتوای یک نسخه پاپیروس گاهی سالها وقت صرف می کنند. چنین پروژه هایی بسیار طاقت فرسا و زمانبر است.

نسخه های خطی قدیمی مانند p52 و codex sinaiticus بسیار ارزشمند هستند زیرا از روی نسخه های قدیمی تر و نزدیکتر به سند اصلی رونویسی شده اند.

متخصصین نسخ خطی، برای بازسازی محتوای یک نسخه پاپیروس گاهی سالها وقت صرف می کنند. چنین پروژه هایی بسیار طاقت فرسا و زمانبر است.

نسخه های خطی قدیمی مانند p۵۲ و codex sinaiticus بسیار ارزشمند هستند زیرا از روی نسخه های قدیمی تر و نزدیکتر به سند اصلی رونویسی شده اند.

علاوه بر نسخ خطی، هزاران نقل قول (quotation) از کتب عهد جدید در اسناد خطی باستانی دیگر متعلق به قرن اول تا چهارم میلادی موجود است که بخش های زیادی از عهد جدید را پوشش میدهند؛ به عبارتی حتی اگر هیچ نسخه خطی قدیمی از عهد جدید وجود نمی داشت، متخصصین صرفاً با این نقل قول ها قادر بودند بخش اعظم کتب عهد جدید را بازسازی کنند. برای مثال در رسالات کلمنت از شهر روم، ایگناتیوس و پُلّی کارپ از شهر اسمیرنا که در سال های ۹۵ تا ۱۱۰ میلادی نوشته شده اند (کلمنت، ایگناتیوس و پُلّی کارپ از پدران کلیسا بوده اند) از ۲۷ کتاب عهد جدید به ۲۵ کتاب اشاره و آیات متعددی نقل قول کرده اند.

در پایان یادآوری دو نکته بسیار مهم ضروری است:

الف- رسولان مسیح که به طور مستقیم یا غیر مستقیم در نگاشتن کتب عهد جدید دخیل بوده اند، شاهدان عینی زندگی، مرگ، قیام و صعود مسیح بودند و به خاطر بشارت انجیل سراسر زندگی خود را در جفاها، زندان و یا در تبعید گذراندند و تقریباً همه آنها شهید شدند.

« ۱۶ زیرا که در پی افسانه های جعلی نرفتیم، چون از قوت و آمدن خداوند ما عیسی مسیح شما را اعلام دادیم، بلکه کبریایی او را دیده بودیم.» رساله دوم پطرس ۱: ۱۶

« ۳ از آنچه دیده و شنیده‌ایم شما را اعلام می‌نماییم تا شما هم با ما شراکت داشته باشید.» رساله اول یوحنا ۱: ۳

ب- رسولان مسیح از اینکه تمامی کتب عهد جدید الهام خدا و کلام خدا است مطلقاً شکی نداشتند بدین معنی که رسولان به الهام از روح خدا این کتب را به رشته تحریر درآوردند.

« ۱۳ و از این جهت ما نیز دائماً خدا را شکر می‌کنیم که چون کلام خدا را که از ما شنیده بودید یافتید، آن را کلام انسانی نپذیرفتید، بلکه چنانکه فی الحقیقه است، کلام خدا که در شما که ایماندار هستید عمل می‌کند.» رساله اول پولس رسول به تسالونیکیان ۲: ۱۳

« ۲۵ لکن کلمه خدا تا ابدالابد باقی است. و این است آن کلامی که به شما بشارت داده شده است.» رساله اول پطرس رسول ۱: ۲۵

بخش سوم: تاریخ و باستان‌شناسی

گویی گذر زمان همچون جریان خروشان رودخانه ای است که همه چیز را با خود می‌برد و به جز تکه سنگ‌هایی اینجا و آنجا چیزی باقی نمی‌گذارد. آیا تاریخ را می‌توان دقیقاً شناخت؟

آیا گذشته همچون بخاری فرّار نیست که جلوی چشمانمان ناپدید می شود و جز تصویری مبهم در ذهن، اثری از آن را نمی توان یافت؟
آیا روایتی که مورخین از تاریخ نقل می کنند دقیقاً با واقعیت ها منطبق است؟

آیا با مطالعه تاریخ می توان به واقعیت های عینی آنچه که در گذشته های بسیار دور اتفاق افتاده است پی برد؟ آیا تاریخ قابل اثبات یا رد است؟ آیا تاریخ تکرار میشود؟

هرچند پاسخ به سوالات فوق پیچیده و خارج از حوصله این مبحث است ولی به دلیل اینکه تا حدودی به موضوع جهان بینی مرتبط است در آینده به برخی از جنبه های آن خواهیم پرداخت. در این جا فقط به ذکر چند نکته به طور خلاصه بسنده می کنیم:

الف- هرچند ما انسانها موجوداتی با حافظه تاریخی بسیار کوتاه مدت هستیم؛ ولی با این وجود گسسته از تاریخ نیستیم.

ب- خدا به عنوان خالق «زمان» حاکم مطلق تاریخ بوده و زمان گذشته، حال و آینده نزد او یکسان است. هیچ اتفاقی در جهان مادی و غیرمادی وجود ندارد که نزد خدا آشکار نباشد؛ به عبارتی هیچ رویدادی، از جابجایی یک الکترون گرفته تا بلعیده شدن یک کهکشان توسط یک سیاهچاله و یا وقوع قتلی در قعر تاریخی گمنام، نزد خدا پنهان نیستند. توجه کنید حاکمیت خدا بر تاریخ جهان و تاریخ بشری صرفاً به معنای دانش و آگاهی خدا از رویدادها نیست! بلکه به معنای این است که خدا همه رویدادها را مطابق اراده خود به سمت مقصدی معین پیش می برد به عبارتی خدا صرفاً تماشاگر تاریخ نیست؛ بلکه گرداننده آن است. (در آینده به این موضوع بیشتر خواهیم پرداخت.)

پ- با توجه به توضیحات بالا روایتی که خدا از تاریخ ارائه می دهد دقیق ترین روایت است.


ت- مورخین با در دست داشتن ابزارهای مختلف می‌توانند وقایع و رویدادهای گذشته را بررسی کنند و گزارشی نسبتاً دقیق و قابل قبول از آنچه اتفاق افتاده است ارائه دهند؛ هرچند همیشه این احتمال وجود دارد که چنین روایتی به دلیل پیش‌داوریهای ذهنی مورخ منعکس‌کننده واقعیت عینی نباشد ولی با این وجود می‌توان (در صورت وجود مدارک و شواهد کافی) چنین روایتی را بررسی کرد و به درست یا غلط بودن آن پی برد. برای مثال علم باستان‌شناسی که بر مبنای روش‌های علمی توسعه یافته است؛ یک ابزار قوی برای پی‌بردن به گذشته‌های دور است.

ث- کسانی که به تاریخ با شک و تردید نگاه می‌کنند و مخصوصاً تاریخ دو، سه و یا پنج هزار سال پیش را غیر واقعی و افسانه می‌پندارند؛ زمانی که صحبت از تاریخ چند میلیارد یا چند میلیون سال پیش کره زمین به میان می‌آید چنان با آب و تاب و بدون کوچکترین شک و شبهه از آن سخن می‌گویند که گویی شاهدان عینی این رویدادها بوده‌اند!

این بحث را با ارائه یک روایت تاریخی و ادله درست بودن آن به پایان می‌بریم.

به روایت تاریخی زیر که لوقا حدود ۲۰۰۰ سال پیش از شرایط سیاسی منطقه یهودیه نقل می‌کند توجه کنید.

« ۱ و در سال پانزدهم از فرمانروایی تیبریوس قیصر، در وقتی که پنطیوس پیلاطس، والی (فرماندار) یهودیه بود...
انجیل لوقا ۳: ۱

دقت کنید چنین روایتی را می توان دقیقا ارزیابی کرد و به صحت و سقم آن پی برد. کتاب مقدس، در وهله اول کتابی است تاریخی که ریشه در حقایق تاریخی دارد و رویدادهای تاریخی را گزارش می دهد؛ حتی در رسالات پولس رسول که اکثرا جنبه الهیاتی دارند باز می توان داده های تاریخی متعددی را از آنها استخراج کرد. حال اجازه دهید این روایت را به طور فشرده و خلاصه بررسی کنیم. ابتدا به شواهد داخلی در خود عهد جدید بپردازیم. هر چهار انجیل و کتاب اعمال رسولان به پنطیوس پیلاتس به عنوان فرماندار رومی یهودیه که مسیح را محاکمه می کند و دستور می دهد تا او را مصلوب سازند اشاره می کنند. پولس رسول نیز در یکی از رسالات خود به وی اشاره می کند. توجه کنید چنین سازگاری با توجه به اینکه این کتاب ها در زمان های مختلف، توسط اشخاص مختلف و در شهرهای مختلف نوشته شده اند؛ بسیار حائز اهمیت است و به صحت گزارش دلالت دارد. اجازه دهید به شواهد خارج از عهد جدید بپردازیم؛ تاسیتوس یکی از مورخین مشهور (غیر مسیحی و حتی ضد مسیحی) رومی قرن اول میلادی در کتاب خود (Annals book XV chapter 44) اشاره می کند که مسیح در ایام تیبریوس قیصر توسط فرماندار پنطیوس پیلاتس به صلیب محکوم می شود. مجسمه ای از مورخ مشهور رومی تاسیتوس در محوطه ساختمان پارلمان وین، اتریش  اتریش



علاوه بر این در سال ۱۹۶۲ باستان شناسان ایتالیایی موفق می شوند کتیبه ای سنگی متعلق به قرن اول میلادی را در شهر باستانی قیصریه ماریتیمای کشف کنند. (ماریتیمای یعنی مجاور دریا، واقع در غرب فلسطین یکی از شهرهای مهم ساحلی مدیترانه در زمان مسیح بود.)
روی این کتیبه به زبان لاتین نوشته شده است:
از طرف فرماندار یهودیه پنطیوس پیلطس معبد تیبریوم (Tiberium) به امپراتور تیبریوس تقدیم می شود.
قدمت این کتیبه متعلق به ۲۶-۳۶ میلادی است! و در موزه ای واقع در اورشلیم نگهداری می شود.

